

ناهماهنگی رشد اقتصادی در جهان کنونی

مسأله توسعه یا رشد اقتصادی مهمترین وحادترین مسأله دنیای امروز است. در عصری که تساوی ملتها و آدمیان بیش از هر دورانی مورد توجه قرار گرفته است، در زمینه های اقتصادی و اجتماعی و فکری، عدم مساوات زیادی میان دو گروه از کشورهای دنیا - کشورهای غنی و توسعه یافته از طرفی و کشورهای کم رشد و توسعه نیافته از طرف دیگر - به چشم می خورد.

بررسی چند ناهماهنگی اصلی و اساسی به روشن شدن مقصود کمک می کند:

۱ - کشورهای توسعه یافته (به جز شوروی) قریب ۶۰۰ میلیون جمعیت دارند. در این زمره خاصه کشورهای اروپای غربی، ایالات متحد امریکا، ژاپون، کانادا، استرالیا و ژلاند جدید به شمار آمده اند. بیش از يك ميليارد انسان در کشورهای کم رشد امریکای لاتین و آسیا و افریقا زندگی می کنند. از ۹۳۵ میلیارد دلار مجموعه تولید کشورهای که دارای رژیم اقتصاد آزاد هستند در سال ۱۹۵۵ سهم ایالات متحد امریکا ۳۸۷ میلیارد، سهم اروپای غربی ۳۴۵ میلیارد و حصه کشورهای توسعه یافته ۱۴۵ میلیارد دلار بوده است. ۱. کشورهای غنی با ۱۵ درصد جمعیت جهان، ۶۳ درصد از کل درآمد دنیا را در اختیار دارند. فقیرترین کشورها (با درآمد سرانه کمتر از ۱۰۰ دلار) با ۵۴ درصد جمعیت جهان فقط ۹ درصد از درآمد دنیا را صاحب اند. گروه واسطی که میان این دو قطب قرار گرفته اند با ۳۱ درصد جمعیت دنیا نصیبشان از آمد جهانی ۲۹ درصد است. ۲. درآمد سرانه متوسط سالانه در کشورهای توسعه یافته، بنا بر آخرین آمارهای سازمان ملل متحد از ۷۴۰ دلار (فرانسه) تا قریب ۲۰۰۰ دلار (امریکا) است. در صورتی که در کشورهای توسعه نیافته این در آمد بین ۵۰ دلار (بیرمانی) و ۴۶۰ دلار (آرژانتین) نوسان دارد. ۳. بنا بر این میان معدل حد اقل و معدل حد اکثر در آمد در دنیا اختلافی از يك تا چهل وجود دارد. این تناسب، تصوری از اختلاف عمیق در آمد و سطح زندگی در کشورهای مختلف دنیا به دست می دهد. اما نسبت معدلها، گویای همه واقعیت نیست. بین حد اقل درآمد در کشورهای توسعه یافته و کشورهای کم رشد تفاوت از این فاحش تر است. سنجش حد اقل و حد اکثر درآمد در درون هر يك از این گروهها و مقایسه این نسبتها از تفاوت عظیم نحوه توزیع درآمد در کشورهای پیشرفته و کشورهای کم رشد حکایت می کند. در پیشرفته ترین کشورها اختلاف سطوح در آمد و قدرت خرید رو به کاهش است. مثلاً در سوئد اختلاف سطح در آمد و قدرت خرید از ۱ تا ۳ است،

R. Barre : Le développement économique ' p . 3 - ۱

G. Myrdal : une économie internationale , p . 209 - ۲

۳ - هندوستان ۷۵ دلار، پاکستان ۶۵ دلار، ترکیه ۱۴۰ دلار، مصر ۱۲۰ دلار،

برزیل ۱۲۰ دلار، ایران ۱۳۰ دلار، پرتغال ۲۵۰ دلار، کوبا ۳۱۰ دلار و غیره.

در صورتی که در کشورهای توسعه نیافته این اختلاف به یک تا ۸ و ۱۵ و ۲۰ و حتی خیلی بیشتر می رسد .^۱

۳ - در غالب کشورهای توسعه نیافته میزان جاری سرمایه گزاری سالانه ۶ تا ۷ درصد محصول ناخالص ملی است ، در صورتی که در ایالات متحد آمریکا ۱۷ درصد است و در بیشتر کشورهای اروپائی از ۲۰ درصد تجاوز می کنند . با سنجش این ارقام نباید کمان برد که سرعت توسعه اقتصادی در کشورهای پیشرفته چهار برابر کشورهای کم رشد است . ضریب تأثیر سرمایه در کشورهای دسته اول ، به سبب وجود زیر بناهای لازم اقتصادی و اجتماعی ، به مراتب بیش از کشورهای دسته دوم است .

در کشورهای صنعتی ، بر اثر قدرت سرمایه گزاری بیشتر و بالا بودن ضریب تأثیر سرمایه آهنک توسعه خیلی سریعتر از کشورهای توسعه نیافته است .

۴ - میزان افزایش جمعیت در کشورهای کم رشد بیش از کشورهای توسعه یافته است . طبق آمار سازمان ملل متحد در فاصله ۱۹۵۰ تا ۱۹۵۷ جمعیت افریقا و آسیای جنوب غربی سالانه ۲۰ درصد ، آمریکا مرکزی ۲۶ درصد ، آمریکای جنوبی ۲۵ درصد ، آسیای شرقی ۱۹ درصد افزایش یافته است ، در صورتی که در همین زمان جمعیت اروپا سالانه از ۶ تا ۱۰ درصد ، شوروی ۱۳ درصد و آمریکای شمالی (که در حال حاضر میان کشورهای توسعه یافته بالاترین رقم رشد جمعیت را دارد) ۱۷ درصد افزایش یافته است .^۲

اهمیت تفاوت این میزان ها وقتی بیشتر جلوه می کند که توجه کنیم توده های عظیم بشر در کشورهای توسعه نیافته خاصه در آسیا تمرکز یافته اند . ارقام مطلق افزایش جمعیت در مناطق مختلف دنیا از سال ۱۹۵۰ تا ۱۹۵۷ به این قرار بوده است :

۱۸۰ میلیون در آسیا ، ۲۱ میلیون در اروپا ، ۵۱ میلیون در قاره آمریکا ، ۲۶ میلیون در افریقا ، ۱۱/۶ میلیون در شوروی ، ۲/۲ میلیون در اقیانوسیه .^۳

۵ - کثرت جمعیت و سرعت افزایش آن در کشورهای توسعه نیافته ، مسأله ضعف میزان سرمایه گزاری را در این کشورها وخیم تر می کند ، به نحوی که اغلب افزایش درآمد نمی تواند افزایش جمعیت را همپائی کند و در نتیجه تفاوت سطح زندگی میان دو گروه کشورهای جهان تشدید می شود .

۶ - تولید اصلی کشورهای توسعه نیافته تولید کشاورزی و مواد خام و اولیه است و از نظر تولید صنعتی بین این کشورها و کشورهای پیشرفته فاصله عظیمی وجود دارد . با این همه در تولید کشاورزی نیز کشورهای توسعه یافته وضع ممتاز تری دارند . جدول زیر در صد زمین های زیر کشت را به مساحت کشور و تعداد سکنه کشاورز را در کیلومتر مربع در چند کشور پیشرفته و چند مملکت در راه توسعه نشان می دهد .^۴

۱ - A. Savuy, L. J. Lebre et divers : economie et civilisation, p.13.

۲ - L. J. Lebre : Suicide ou survie de l'occident ? p. 26

۳ - O. N. U. : Annuaire démographique 1958

۴ - L. J. Lebre : Le derame du siècle , p. 25 .

کشور	زمین های زیر کشت به ۱/۱ مساحت کشور	سکنه روستائی در کیلومتر مربع
انگلستان	۶۵	۸۵
ایالات متحد امریکا	۳۹	۱۸
کانادا	۷	۱۶
استرالیا	۲/۴	۱۳
هندوستان	۴۶	۲۳۸
سیلان	۴۲	۴۵۱
مکزیک	۵	۱۶۴
برزیل	۲/۸	۱۴۰
مصر	۲۱۵	۵۴۲

تفاوت حداقل و حداکثر میزان تراکم سکنه روستائی در این جدول از یک تا ۴۱ است . برای مقایسه وضع کشاورزی دو کشور با هم باید در صد زمین های زیر کشت ، مجموعه آن ، میزان تراکم جمعیت روستائی در کیلومتر مربع ، میزان نسبی مساحت زیر کشت به جمعیت کشور ، نوع بهره برداری از زمین ، میزان استفاده از تجهیزات جدید کشاورزی و بازده کار به حساب آید . توجه به یک عامل به تنهایی موجب اشتباه می شود ، مثلاً بنابر جدول فوق ۰/۰۴۶ از زمین های هندوستان زیر کشت است ، در صورتی که در ایالات متحد امریکا ۰/۳۹ زمین زیر کشت وجود دارد . اما در امریکا ۱۸ تن روستائی در کیلومتر مربع و در هندوستان ۲۳۸ تن مسکن دارند . کشاورزی امریکا تقریباً به تمام مکانیزه و مجهز به وسایل جدید است و کشاورزی نا مجهز هندوستان ، به عنوان وسیله عمده تغذیه مردم این کشور ، باید جمعیتی را بیش از سه برابر جمعیت امریکا غذا بدهد . چین با بیش از ۶۰۰ میلیون جمعیت ۸۷، ۸۱۹،۹۰۰ هکتار زمین زیر کشت دارد و ایالات متحد امریکا با جمعیتی کمتر از نلک جمعیت چین ۱۴۷، ۷۱۵، ۵۰۰ هکتار .

با تقسیم مساحت زمین های زیر کشت به کل جمعیت بطور تقریب بر آورده کرده اند که در کانادا و ایالات متحد امریکا و اقیانوسیه بهر فرد ۱/۶ هکتار ، در شوروی ۰/۸ ، در امریکای لاتین ۰/۶ ، در آسیای شرقی و جنوبی ۰/۲ تا ۰/۳ و در خاور میانه و نزدیک ، قریب ۰/۴ هکتار می رسد .

در چین وسعت متوسط یک مزرعه ۱/۶ هکتار بود ، در صورتی که در هلند ۵/۶ ، در دانمارک ۱۵/۷ ، در انگلستان ۲۵/۵ و در ایالات متحد امریکا ۶۳/۵ هکتار است . سنجش میزان تولید کشاورزی به نسبت روز و جمعیت یا به نسبت روز و هکتار ، تفاوت های قابل ملاحظه میزان بازده تولید کشاورزی را در کشورهای توسعه یافته و توسعه نیافته آشکار می کند . بنابر محاسبه سازمان بین المللی تغذیه و کشاورزی در دوره ۳۸ - ۱۹۳۴ تولید متوسط روزانه و سرانه بر حسب کالری گیاهی در امریکای شمالی ۱۰،۰۰۰ ، در اروپای شمال غربی ۵۲۵۰ و در خاور دور ۲۷۵۰ کالری گیاهی بوده است .

۷ - امید زندگی در کشورهای توسعه یافته کمتر از کشورهای توسعه یافته است .

L. J. Lebret : Le drame du Siècle , p. 25 . 26 - ۱ و ۳

» » » : Suicide ou survie de l'occident , p. 40 - ۲

Michèle cépède : L' économie des besoins , p. 53 - ۴

از نظر مرگ و میر کودکان ، میزان کلی مرگ و میر ، طول متوسط عمر یا امید زندگی به هنگام تولد ، تفاوت های بارزی میان این دو گروه وجود دارد .

مرگ و میر کودکان در نخستین سال عمر در کشورهای توسعه یافته از ۱۷ (سوئد) تا ۳۴ (فرانسه) در هزار است ، در صورتی که این میزان در کشورهای کم رشد به ۱۵۰ (امریکای لاتین) تا ۳۰۰ (افریقای جنوبی) در هزار می رسد . به این ترتیب در کشورهای که قریب دو ثلث جمعیت دنیا را در بردارند میزان مرگ و میر کودکان در نخستین سال عمر ده برابر کشورهای توسعه یافته است .

هر چند در سال های اخیر بر اثر مبارزه با امراض ساری و بومی از میزان کلی مرگ و میر بسیاری از کشورهای توسعه یافته کاسته شده ، ولی از این نظر تفاوت بارزی بین دو گروه متمایز کشور های دنیا وجود دارد : در اغلب کشورهای اروپائی و امریکای شمالی که آمارهایشان مطمئن تر است میزان مرگ و میر عمومی به حدود ۱۰ در هزار رسیده است : اتریش ، بلژیک ، فرانسه ، آلمان شرقی و ایرلند ۱۲ در هزار ، انگلستان ، آلمان غربی و پرتغال ۱۱ در هزار ؛ لهستان ، سوئد ، ایتالیا و مجارستان ۱۰ در هزار ؛ اسپانیا ، فنلاند ، دانمارک ، بلغارستان و ایالات متحد امریکا ۹ در هزار ؛ کانادا و هلند ۸ در هزار ۱ .

ارقام رسمی که در مورد کشورهای توسعه یافته وجود دارد اطمینان بخش نیست . سازمان ملل متحد در گزارش وضع اجتماعی دنیا به سال ۱۹۵۷ به تصحیح این ارقام پرداخته و رقم های تقریبی زیر را به دست داده است :

شیلی ، کستاریکا ، مکزیک و کوبا قریب ۱۵ در هزار ؛ بلیوی ، برزیل ، کلمبی ، پرو و ونزوئلا قریب ۲۰ در هزار ؛ سیلان قریب ۱۴ در هزار ؛ تایوان قریب ۱۹ در هزار ؛ هلند ۲۱ تا ۲۸ در هزار ؛ پاکستان قریب ۳۰ در هزار ؛ فیلیپین ۲۸ تا ۳۱ در هزار ؛ تایلند ۱۹ تا ۲۸ در هزار ۴ .

امید زندگی به هنگام تولد ۴ در کشورهای پیشرفته به ۶۵ سال (آلمان ، اتریش ، بلژیک ، فرانسه ، چکسلواکی ، کانادا) می رسد و در تعدادی از کشورها (نروژ ، انگلستان ، سوئد ، سوئیس ، فنلاند ، دانمارک ، هلند ، ایالات متحد امریکا ، استرالیا ، زلاند جدید) از ۷۰ سال در می گذرد . اما کودکانی که در برزیل ، مصر ، مکزیک یا ایران زاده می شود بیش از ۴۰ سال امید زندگی ندارد و این امید در هندوستان فقط ۳۲ سال است ۴ . مشاهده می شود که امید زندگی در کشورهای توسعه یافته قریب دو برابر

۱ - O. N. U. Annuaire démographique 1956, p. 638-640

۲ - O. N. U. Rapport sur la situation sociale dans le monde, 1957, p. 16

۳ - معدل طول عمر يك نسل .

۴ - با اینکه دیدیم که به سبب زاد و ولد بسیار جمعیت کشورهای توسعه یافته سریعتر از کشور های توسعه یافته افزایش می یابد . کاهش نسبی میزان مرگ و میر ، بر اثر مبارزه با بیماری های بومی و ساری ، در سال های اخیر این افزایش را سریع تر کرده است . کاهش مرگ و میر کودکان و بالا رفتن نسبی معدل عمر در کشور های کم رشد بار جمعیت فعال را در این کشورها سنگین تر کرده است ؛ در مناطق توسعه یافته ۵۵ کارگر بار زندگی ۴۰ فرد خردسال و ۵ پسر را به دوش دارند ، در کشورهای توسعه یافته ۶۰ تا ۶۴ کارگر ۳۶ تا ۴۰ فرد غیرمولد را اداره می کنند .

کشورهای کم رشد است ۱ .

۸ - در سال ۱۹۵۶ سازمان جهانی کشاورزی و تغذیه ، نکات زیر را درباره وضع تغذیه در دنیا مورد توجه قرار داده بود :

- رژیم غذایی بیش از نیم جمعیت دنیا برای حفظ سلامت کافی نیست ؛

- در بعضی مناطق دنیا سطح مصرف نازلتر از دوران پیش از جنگ است ؛

- علت اساسی کمی ویدی تغذیه فقر است ؛

- بهترین درمان فقر توسعه اقتصادی است .

حد اقل کالری لازم برای مردم مناطق معتدل ۲۷۰۰ کالری برای هر فرد در روز است . هرچه کار شدید و محیط طبیعی ناساگاتر باشد بر میزان کالری لازم افزوده می شود . کارگرانی که به کارهای سنگین اشتغال دارند در مناطق معتدل روزانه به ۴۵۰۰ کالری احتیاج دارند .

بطور کلی جیره متوسط کالری در کشورهای توسعه یافته بین ۲۷۵۰ و ۳۸۲۰ است . در سال ۱۹۳۸ غذای ۳۸/۶ در صد جمعیت دنیا دارای کمتر از ۲۲۰۰ کالری بود . ده سال بعد یعنی در ۱۹۴۸ جیره غذایی قریب ۶۰ درصد از جمعیت دنیا کمتر از ۲۲۰۰ کالری داشت ۴ . این ارقام نشان می دهد که اولاً در مناطق وسیعی از دنیا میزان غذا برای رشد طبیعی انسان و حفظ سلامت و نیروی جسمی و روحی وی کفایت نمی کند و ثانیاً در اکثر این مناطق سطح تغذیه و مصرف نسبت به دوران پیش از جنگ تنزل کرده است .

در سال ۱۹۵۰ تخمین معدل کالری در چند کشور به شرح زیر بوده است ۴ :

هندوستان ۱۵۷۰ ؛ حبشه ۱۷۷۰ ؛ مراکش ۱۸۲۵ ؛ اندونزی ۱۸۸۰ ؛ بیرمانی ۱۸۸۷ ؛ ایران ۱۹۴۲ ؛ سیلان ۱۹۵۰ ؛ فیلیپین ۱۹۶۰ ؛ تایلند ۲۰۲۰ ؛ چین ۲۰۲۰ ؛ هندوراس ۲۰۳۰ ؛ ماداگاسکار ۲۰۷۴ ؛ مکزیک ۲۰۹۲ ؛ ژاپن ۲۲۱۰ ؛ پرو ۲۲۵۵ ؛ ونزوئلا ۲۲۵۰ ؛ کلمبی ۲۳۰۰ ؛ شیلی ۲۳۴۰ ؛ برزیل ۲۳۵۰ ، مصر ۲۳۶۰ .

بر مبنای صورت کامل این تخمین ها می توان بر آورد کرد که نیم جمعیت دنیا به اندازه کافی کالری غذایی مصرف نمی کنند و یک چهارم دیگر به زحمت از حد اقل کالری لازم برخوردار می شوند .

تازه این ارقام از میزان کالری مطلق حکایت می کند و هنگام بر آورد، تفاوتی بین کالری گیاهی و کالری حیوانی قائل نشده اند . در صورتی که از نظر کیفیت غذایی تفاوت بین این دو نوع کالری بسیار است . از نظر تغذیه کالری حیوانی دارای ارزش بیشتری است و هر واحد آن معادل ۷ کالری گیاهی به حساب می آید . اگر این اختلاف کیفیت محاسبه شود تفاوت

۱ - افرادی که غذای کافی ندارند بیش از دیگران می میرند و هنگام تولد امیدزندگیشان

خیلی کوتاه تر است ... هیچگونه عامل زادی در این امر دخالت ندارد ، زیرا مثلاً میزان مرگ و میر ملت های مدیترانه ای و امریکای مرکزی که در زمره زیاد سفیدند خیلی بیش از میزان مرگ و میر در اروپای غربی و استرالیا و امریکای شمالی است . بین نقشه سطح تغذیه و میزان مرگ و میر شباهت شگفتی وجود دارد ... « اطلس جغرافیای غذایی - Atlas de géographie alimentaire p, 34 .

۲ - در همه این ارقام، مطلق کالری مورد نظر است و تفکیکی بین کالری حیوانی و گیاهی

وجود ندارد و در محاسبه میزان کالری حیوانی به کالری گیاهی تبدیل نشده است .

Lebret : suicide ou survie de l, occident , p. 56 .

سطح زندگی بین کشورهای توسعه یافته و کشورهای توسعه نیافته بازتر جلوه می کند .
 برای مینا معدل میزان مصرف کالری در دنیا از ۲۳۰۰ کالری گیاهی (هندوستان) و ۲۵۰۰
 کالری گیاهی (چین) و ۲۶۳۰ (فیلیپین) و ۳۶۴۰ (مصر) و ۳۷۸۰ (برزیل) و ۴۷۸۰
 (کوبا) تا ۶۵۰۰ (بلژیک) و ۶۶۰۰ (فرانسه) و ۸۰۰۰ (انگلستان) و ۹۱۰۰
 (ایالات متحد آمریکا و کانادا) و ۹۲۸۰ (استرالیا) و ۱۰۴۳۹ کالری گیاهی (زلاند
 جدید) است .^۴

اما علاوه بر این غذای ملت های کم رشد از نظر ترکیب بسیار نارسا و از نظر
 مهمترین عناصر غذایی یعنی پروتئین های حیوانی و نمک های معدنی و ویتامین ها بسیار فقیر
 است . کامل ترین پروتئین ها پروتئین های حیوانی است که مواد لازم برای زندگی آدمی را
 در بردارند و ارزش حیاتی شان خیلی زیاد است .

مطالعات جدیدی که درباره تغذیه صورت گرفته ثابت کرده است که پروتئین های
 حیوانی همه مواد لازم برای رشد و سلامتی انسان را در بردارند . به همین جهت این پروتئین ها را
 پروتئین های کامل می خوانند .

پروتئین های گیاهی فاقد بسیاری از مواد غذایی لازم هستند . به این جهت برای
 اینکه آدمی به سلامتی زندگی کند و نیروهای جسمی و روحی بطور طبیعی رشد یابد باید روزانه
 مقداری فرآورده های حیوانی مصرف کند . متخصصین بر آورد کرده اند که نیمی از پروتئین های
 یک رژیم غذایی کامل و متعادل باید منشأ حیوانی داشته باشد . معمولاً غذاهایی که این نوع
 پروتئین ها را در بردارد و گران است و به همین جهت مردم کشورهای کم رشد به سبب
 فقر و کمی در آمد از تغذیه مکفی و طبیعی بر خوردار نیستند و در معرض بیماری ها
 و ناتوانی های ناشی از کمبود پروتئین قرار دارند .^۴

ژوزوئه دوکاسترو با بررسی دقیق این مسأله ابراز عقیده می کند که کوتاه فدی
 مردمی که در مناطق حاره به سر می برند بیش از آنکه خصوصیتی نژادی باشد معلول تغذیه
 نارسا و کمبود پروتئین است . این که وزن متوسط یک چینی ۵۵ کیلو و وزن متوسط یک
 اروپائی ۶۳ کیلوست بیش از آنکه مربوط به نژاد باشد بستگی به کرسنگی عمومی و طولانی
 دارد . همه مردمی که در مناطق میان دومدار رأس السرطان و رأس الجدی زندگی می کنند،

۱ - سازمان های بین المللی بر آورد کرده اند که حیوان برای تهیه یک کالری حیوانی (به شکل
 شیر یا گوشت) هفت کالری گیاهی مصرف می کند . برای سنجش سطح تغذیه در دو کشور محاسبه
 باید متکی بر این مینا باشد . مثلاً معدل مصرف سرانه و روزانه در کشور کره ۱۹۰۴ کالری است .
 از این مقدار ۱۱۱ کالری متعلق به فرآورده های حیوانی (گوشت ، شیر ، تخم مرغ) و ۱۷۹۳
 کالری از آن فرآورده های گیاهی است . با تبدیل رقم کالری حیوانی به کالری گیاهی ، جمع مصرف
 سرانه و روزانه در کره به ۲۷۵۰ کالری گیاهی می رسد . در زلاند جدید معدل مصرف سرانه و
 روزانه ۳۲۸۱ کالری است . در این مقدار ۱۰۲۷ کالری حیوانی و ۲۲۵۴ کالری گیاهی وجود دارد
 با تبدیل کالری حیوانی ، جمع مصرف سرانه و روزانه در زلاند جدید به ۱۰۴۳۹ کالری بالغ می شود
 با این مثال می توان دید که هنگام مقایسه وضع تغذیه در زلاند جدید و کره نباید نسبت بین ۱۹۰۴ و
 ۳۲۸۱ $(\frac{1}{17})$ را مینا گرفت ، بلکه ملاک سنجش باید نسبت بین ۲۵۷۰ و ۱۰۴۹ $(\frac{1}{4})$ باشد .

بر این مینا می توان دید که بین سطوح تغذیه در دنیا اختلافی از یک تا چهار وجود دارد .

Michèle Cépède: L' économie de besoins, p . 25. - ۲

Josué de Caestro : Géopolitique de la faim , pp . 68 - 69 . - ۳

(مردم امریکای لاتین ، پیگمه‌ها و دیگر گروه‌های سیاه پوست افریقای استوایی ، هندوها ، فیلیپینی‌ها ، اندونزیها ، هند و چینیه‌ها و غیره) قدشان کوتاه‌تر از حد متوسط است . در غذای همه این ملت‌ها محصولات نباتی تفوق دارد . زیرا آب و هوای منطقه حاره و استوایی برای دامداری و در نتیجه تهیه فرآورده‌های حیوانی مناسب نیست . تنها مستثنیاتی که در این مناطق به چشم می‌خورد ، یعنی مردم بلند قد ، مرکب از گروه‌های دامدار و شبان است که بیشتر فرآورده‌های حیوانی مصرف می‌کنند . (بربرهای صحرا ، سیاهان دامدار سودان ، سیکهای هندوستان ، شبانان نیل علیا) . ۱

کمبود پروتئین‌ها همچنین از مقاومت بدن می‌کاهد و زمینه آماده‌ای برای بیماریها ، خاصه امراض عفونی ، به وجود می‌آورد . و فور بیماری‌هایی چون سل ، ذات‌الریه ، دیسنتری ، تیفوس و نظایر آنها در مناطقی است که جیره پروتئین در تغذیه بسیار نازل است . ۳

می‌توان گفت که مطمئن‌ترین شاخص کیفیت وضع تغذیه ، میزان مصرف پروتئین‌های حیوانی است .

جدول زیر میزان مصرف سرانه و روزانه پروتئین‌ها و حصه پروتئین‌های حیوانی را در مناطق عمده توسعه یافته و مناطق عمده کم‌رشد دنیا به دست می‌دهد . ۴

معدل مصرف کلی پروتئین‌ها (به گرم)	معدل مصرف پروتئین‌های حیوانی (به گرم)		
۴۴	۶	هندوستان	خاور دور
۵۲	۱۱	پاکستان	
۶۳	۶	چین	
۵۸	۹	ایران	خاور میانه و نزدیک
۶۰	۸	عراق	
۶۹	۱۱	مصر	
۵۲	۱۴	پرو	امریکای لاتین
۵۵	۱۶	مکزیک	
۴۴	۲۶	برزیل	
۴۲	۵	کنگوی بلژیک	افریقا
۷۰	۷	رودزی	
۷۳	۲۷	اتحادیه افریقای جنوبی	
۹۹	۴۰	فرانسه	کشورهای توسعه یافته
۹۷	۲۵	اتحاد جماهیر شوروی	
۹۰	۶۰	ایالات متحد امریکا	
۹۲	۴۹	انگلستان	
۹۶	۵۶	زلاند جدید	

این ارقام از اختلاف عمیق وضع تغذیه در مناطق مختلف دنیا حکایت می‌کند . در عین حال باید توجه داشت که هر رقم « معدل » وضع تغذیه در هر کشور است و سطح معیشت اکثر مردم کشورهای توسعه نیافته ، به سبب اختلاف فاحش سطوح در آمد ، از معدل‌های فوق بسیار پائین تر است .

۹ - بیماریهای ناشی از گرسنگی و بدی تغذیه ، امراض ساری و امراض ناشی از فقر و کمبود وسائل بهداشتی و درمانی جمع‌کنندگی از مردم کشورهای کم‌رشد را بیمار و ناتوان نگاه می‌دارد ، مرگ و میررामी‌افزاید و از قدرت کار و فعالیت می‌کاهد . بیماریهایی که به سبب گرسنگی و بدی تغذیه پدید می‌آید از قبیل ترمی استخوان و فساد خون و « بری بری » همساله مقدار هنگفتی از نیروی کار کشورهای توسعه نیافته را نابود می‌کند . امراض ساری از قبیل وبا و تب زرد و آبله و تیفوس و بیماریهای زهروری هنوز از کشورهای های مزبور ریشه کن نشده است . مالاریا که شاید بیش از هر مرضی موجب اتلاف نفوس بشری می‌شود ، با وجود مبارزاتی که در کشورهای مختلف صورت گرفته ، هنوز در خیلی از کشورهای توسعه نیافته وجود دارد . متخصصان سازمان ملل این بیماری را مهمترین عامل کشتار و فلج نیروی کار در کشورهای کم‌رشد دانسته اند . دکتر پل راس وابسته به مؤسسه راکفلر در سال ۱۹۵۲ بر آورد کرده بود که ۳۵۰ میلیون از مردم کشورهای کم‌رشد به این بیماری مبتلا هستند .

در مورد کمبود وسائل بهداشتی و درمانی در کشورهای کم‌رشد فقط چند رقم قابل قیاس ارائه می‌دهیم . و جدول زیر در مورد چند کشوری که به عنوان نمونه مناطق جهان انتخاب شده‌اند ، از تعداد نسبی طبیبان و تختهای بیمارستانها حکایت می‌کند . ۱۰ در اینجا فقط کمیت مورد نظر بوده و کیفیت یعنی نوع و درجه تحسیلات و میزان تخصص طبیب یا نوع بیمارستان از نظر مجهز بودن به وسائل لازم بهداشتی و درمانی منظور نشده است . ۴ .

کشور	میزان جمعیت در برابر هر طبیب	میزان جمعیت در برابر هر تخت بیمارستان
ویتنام	۶۰۰۰۰	۲۴۰۰
پاکستان	۳۴۰۰۰	-
هندوستان	۵۷۰۰۰	۲۶۰۰
نیجریه	۵۸۰۰۰	۲۷۰۰
مصر	۳۶۰۰۰	۶۰۰
کواتمالا	۵۸۰۰۰	۴۴۵
پرو	۴۵۰۰۰	۵۰۰
برزیل	۳۰۰۰۰	۳۴۰۰

۱ - باید تذکر داد که ارقام مربوط به کشورهای توسعه نیافته چندان اطمینان بخش نیست و تخمین‌های هرمدرك با تخمین‌های مدرك دیگر تفاوت بسیار دارد . این تفاوت‌ها معلول نبودن مدارك آماری کافی در کشورهای توسعه نیافته و اختلاف منابع و تفاوت روش‌های تخمین است . بین ارقامی که در اینجا ارائه شده و ارقامی که متخصصین اصل ۴ به دست داده اند شباهت بسیار وجود دارد .

میزان جمعیت در برابر هر تخت بیمارستان	میزان جمعیت در برابر هر طبیب	کشور	
۱۰۰	۱۰۰۰	اروپای غربی	کشورهای توسعه یافته
۷۵	۷۰۰	زلاتند جدید	
۱۰۳	۷۷۰	آمریکا	
۸۶	۹۰۰	کانادا	

مبارزاتی که در سالهای اخیر بر ضد بیماریهای ساری و بومی به مقیاس دنیائی صورت گرفته هر چند نتایج خوب و گاه درخشانی داشته ولی بهیچوجه کافی نبوده است. به علاوه میزان توفیق این کوششها در مبارزه با بیماریهای ناشی از کرسنگی و بدی تغذیه بسیار ناچیز بوده است.

کرسنگی و بیماری از قدرت کار می کاهد، اتلاف نیروی کار و کاهش سطح فعالیت، بازده کار و میزان تولید را کاهش می دهد و کاهش تولید موجب فقر و بیماری بیشتر می گردد. به گفته میردال «آدمها بر اثر فقر بیمارند و چون بیمارند روز به روز فقیر تر می شوند و فقر شدید به نوبه خود بیماریهای تازه ای به وجود می آورد. این جریان متراشد، سطح زیست را بطور مداوم پائین می آورد. در این جریان، یک عامل منفی هم علت و هم معلول دیگر عوامل منفی است.»

ارقامی که سازمان جهانی تغذیه و کشاورزی به دست می دهد، صحت این مطالب را اثبات می کند: پیش از جنگ ۳۸ درصد از جمعیت دنیا روزانه کمتر از ۲۲۰۰ کالری مصرف می کرده اند، و در چند سال پس از جنگ نسبت کسانی که غذای روزانه شان کمتر از ۲۲۰۰ کالری داشته، به ۵۹ درصد جمعیت دنیا رسیده است.

۱۰ - نازل بودن سطح فرهنگ عمومی و کمی تعداد با سوادان از مختصات کشورهای کم رشد به شمار می آید. هر چند در این زمینه آمار و اطلاعات دقیقی وجود ندارد ولی طبق تخمین هایی که زده اند تعداد با سوادان در کشورهای توسعه نیافته از ۵۰ درصد است. برای شناخت وضع آموزش و فرهنگ تنها بر آورد میزان با سوادان کفایت نمی کند. شناخت کمیت و کیفیت تجهیزات فرهنگی و سطح آموزش دارای اهمیت اساسی است. در این زمینه وضع کشورهای توسعه نیافته بدتر از زمینه اول است. در این مورد بخصوص باید از کمی یا فقدان مدارس و وسایل مادی، نا رسائی معلومات تعلیمی و تربیتی اکثریت معلمان، تفاوت عظیم سطح سواد و فرهنگ در مراکز روستائی و مراکز شهری، و وفور موارد قطع اجباری یا اختیاری تحصیل در مدارج پائین نام برد.

آنچه تا کنون گفته شد فقط می تواند تصویری کلی از نا هماهنگی رشد اقتصادی و اجتماعی در دنیای معاصر به دست بدهد. این تصویر را با گفته میردال، اقتصاد دان معروف اسکاتلندی و متخصص برجسته سازمان ملل متحد پایان می دهیم: «تنها کسی که فرصت سفری دراز در مناطق مختلف ثروتمند و مناطق گوناگون فقیر دنیا داشته باشد و چشمهایش در برابر مناظر غیر عادی کاملاً باز بماند، تنها چنین کسی می تواند شناخت واقعیت سهمگین تفاوت انواع زندگی و خوشبختی و بدبختی آدمیان را آغاز کند. ارقامی که در این باره ارائه می شود انزاع بیجانی بیش نیست.» عبدالرحیم احمدی

۱ - مثلاً در یک مورد معین طبق سه مدرک مختلف سه رقم بکلی متفاوت به دست می آید:

۳ درصد و ۱۰ درصد و ۴۰ درصد.

G. Myrdal: Une économie internationale, p. 210.

- ۲